Journal of Foundations of Education
Vol. 5, No 2, Autumn & Winter 2016, 23-43

مجله پژوهش‌نامه مبـــانی تعلیـــم و تربیـــت
سال ۵، شماره ۲، پاییز و زمستان ۱۳۹۴، ۴۳-۲۳.

جایگاه نظارت و راهنمایی تعلیماتی در سند تحول بنیادین آموزش و پرورش

The Place of Educational Supervision in the Fundamental Reform Document of Education (FRDE) in the Islamic Republic of Iran

تاریخ دریافت : ۹۴/۴/۲
تاریخ پذیرش: ۹۴/۶/۲۱

مجتبی بذرافشان مقدم [1]، مریم شوقی [2]، راحیل رحمان خواه [2]

Mojtaba Bazrafshan Moghadam, Maryam Shoghi, Rahil Rahmankhah

چکیده

هدف اصلی این پژوهش بررسی و نقد سند تحول بنیادین آموزش و پرورش از بعد نظارت و راهنمایی می‌باشد. برای دست‌یابی به این هدف از روش پژوهش تحلیل محتوا بهره گرفته شد. برای این منظور با رجوع به ادبیات نظری، مؤلفه‌های اصلی و زیر مولفه های نظارت و راهنمایی تعلیماتی شناسایی شدند، سپس برمبنای آن متن سند تحول بنیادین آموزش و پرورش مورد تحلیل قرار گرفت. به طورکلی، یافته‌های حاصل از تحلیل سند حاکی از عدم توجه همه جانبه به تمامی مؤلفه‌های نظارت و راهنمایی تعلیماتی می‌باشد. با وجود اشاره مستقیم و غیرمستقیم به برخی از مؤلفه‌ها مانند هدف، روش، معلم، محتوا، برنامه - درسی و مسئولان و ناظران آموزشی در مبانی نظری و گزاره‌های سند، به نظر می‌رسد مؤلفه‌های دیگر نظارت و راهنمایی تعلیماتی مانند فرایند نظارت، ویژگی‌های لازم ناظران، جو مدرسه و محیط آموزشی، اصول و مبانی نظارت و نقش‌ها و وظایف ناظران مورد توجه قرار نگرفته است.

واژه‌های کلیدی:
نظارت و راهنمایی تعلیماتی، سند تحول بنیادین آموزش و پرورش، ایران

Abstract

The need for educational supervision in all areas related to teaching and learning activities is inevitable, especially when the need for education is undergoing fundamental changes. With respect to that fundamental evolution document of education can be considered the ministry of education roadmap. Therefore, the main issue of this study and critique of fundamental evolution document of education is the supervision dimension. In order to achieve the aim of this study refers to the documents and sites relevant data and information has been collected. Firstly, definitions and concepts and components of supervision were extracted of the resources. The findings of this study indicate that the fundamental evolution document of the education system, among other aspects though brief references have been to the supervision dimension. In some components, such as purpose, methods, the teacher as an important element, content and curriculum officials and supervisors in theoretical foundations and statements are indirect references document. But features such as supervision process, necessary features supervisors, school climate and learning environment, the principles and foundations of supervision, and the role and duties of the supervisors, in the context of document evolution to be ignored.

Keywords:
Reform Document of Education, Education in Iran, educational supervision

---

۱ . استادیار دانشگاه فردوسی مشهد، bazrafshan@um.ac.ir
۲ . دانشجوی کارشناسی ارشد مدیریت آموزشی دانشگاه فردوسی مشهد.

مقدمه

دوران نوین در جهان آنچنان با شتاب به سمت پیشرفت، تغییر و تحول در عرصه‌های گوناگون در حرکت است که زندگی انسان‌ها و مناسبات بین آن‌ها را به طور عمیق تحت تأثیر قرار داده است. یکی از بنیادی‌ترین اقدامات دولت‌های جهان در همگامی با پیشرفت و توسعه جهانی تغییر نگرش به آموزش کشور در سطوح متفاوت و تربیت نسلی جدید و نواندیش برای جامعه است. امروزه تربیت نیروی انسانی توانمند و موثر با ویژگی‌ها، بافت خاص فرهنگی و اجتماعی و هنجارها و ارزش‌های حاکم بر هر جامعه‌ای از زیرساخت‌های مهم توسعه و پیشرفت محسوب می‌شود. نظام آموزش کشور ما نیز برای هماهنگی با این دگرگونی‌ها و مواجهه با چالش‌های برآمده از آن‌ها نیازمند نوآوری، تغییر و تحول است (Hasani, 2006). از سوی دیگر نهاد آموزش و پرورش به عنوان یک نهاد مدرن در عصر مدرنیسم و در پاسخ به نیازهای جامعه صنعتی متولد و با کمترین تغییراتی به جوامع دیگر، از جمله کشور ایران، منتقل شد. لذا، از همان ابتدای ورود با فرهنگ‌های بومی ناسازگار و پیامدها و برون دادهای آن، در پاسخگویی به نیازهای جامعه با چالش‌هایی روبه‌رو بوده است و افزایش اثربخشی و بهره‌وری آن به انجام تغییر و تحولات خرد و کلان نیاز داشته است. پس از پیروزی انقلاب اسلامی، ضرورت تحول همه جانبه و عمیق در نهاد آموزش و پرورش بیش از پیش احساس می‌شود؛ زیرا انقلاب اسلامی، یک انقلاب فرهنگی است و تغییر فرهنگ و تحول در باورها و رفتارها را باید از سنین کودکی و جوانی آغاز کرد. به همین دلیل از آغازین روزهای پیروزی انقلاب، انجام تحولات بنیادین در دستور کار مسئولان ارشد نظام آموزش و پرورش قرار گرفت (Supreme Council of Education, 2006, P. 3).

فرایند تعلیم و تربیت، امری زمان بر و دیر بازده است که در طولانی مدت به بار می‌نشیند. مخاطبان نهاد آموزش و پرورش، کودکان و نوجوانانی هستند که آنچه را امروز فرا می‌گیرند، فردا در رفتار و افکار خویش متجلی می‌سازند. در نتیجه فعل و انفعالات آموزشی و تربیتی امروز بر چگونگی شکل گیری فرداهای دور و نزدیک تأثیر می‌گذارد. به همین دلایل، امروزه نهادهای آموزشی در اکثر کشورهای جهان با مسئله تدوین و اجرای برنامه‌های راهبردی تحول آفرین دست و پنجه نرم می‌کنند (Navid Adham, 2012,P.297) تغییر و تحول در ساختار، برنامه‌ها، هدف‌ها و روش‌های همه سازمان‌های اجتماعی، به ویژه آموزش و پرورش، در فرآیند توسعه ضرورتی اجتناب نا پذیر است (Torres, 1998). نکته قابل توجه آن است که دست یازیدن به برنامه تحولی اثربخش در دنیای متغیر کنونی، به امری پیچیده تبدیل شده است؛ زیرا سرعت و گستردگی تغییرات و تحولات به گونه ای است که فرصت طراحی، تدوین و اجرای برنامه‌های دراز مدت را با چالش‌های جدی مواجه نموده است (Sange, 2006). از این رو، همه مسئولان و دست

اندرکاران نظام آموزش و پرورش برآنند تا سندی پی‌ریزی کنند که بتواند آنان را هر چه بیشتر به هدف‌های نظام تعلیم و تربیت نزدیک کند. سند تحول بنیادین آموزش و پرورش به نوعی به عنوان قانون اساسی نظام تعلیم و تربیت ایران و نقشه راه آموزش و پرورش کشور تلقی می‌شود.

در چند سال اخیر، سند تحول بنیادین آموزش و پرورش از ابعاد متنوعی از جمله مبانی نظری، میزان اهمیت به یادگیری سازمانی، الزامات مدیریتی تحول، جایگاه خانواده و آموزش خانواده، تعامل اولیاء و مربیان در توسعه فرهنگ حجاب، فلسفه و جایگاه تربیت بدنی، مشاوره در مدارس، تربیت دینی، رویکرد علوم اجتماعی مورد نقد و ارزیابی قرار گرفته است. اما از منظر نظارت و راهنمایی تعلیماتی با مفهوم و هدف خاص خود که همان بهبود فرآیند تدریس و یادگیری است و اهمیت بسزائی در تحقق هدف‌های سند تحول می‌تواند داشته باشد، پژوهشی انجام نگرفته است. بنابراین، در این پژوهش، به بررسی نقاط قوت و ضعف سند تحول از بعد نظارت و راهنمایی تعلیماتی پرداخته شده است.

چهارچوب نظری

در این بخش به تعریف مفاهیم و مؤلفه‌های اساسی مورد استناد در این پژوهش اشاره می‌شود.

تحول بنیادین[1]: مراد از تحول بنیادین در آموزش و پرورش فراهم آوردن زمینه تحول عمیق ریشه‌ای همه جانبه، نظام‌مند و کل نگر، آینده نگر، مبتنی بر آموزه‌های وحیانی و معارف اسلامی و متناسب با فرهنگ اسلامی-ایرانی می‌باشد (Navid, 2001). تغییر بنیادی به منظور توصیف تغییر سازمانی که در آن تغییر درونی ارزش‌ها، آرزوها و رفتارهای افراد را به تغییر بیرونی فرایندها، راهبردها، کارها، و سیستم‌ها پیوند می‌زند، به کار می‌رود. واژه بنیادی از واژه لاتین Fundues مشتق شده است. این واژه به معنای حرکت به سمت بنیان‌ها و ریشه‌هاست. در تغییر بنیادی یادگیری وجود دارد. سازمان کار جدیدی انجام نمی‌دهد، بلکه توانایی انجام کارها به شیوه‌ای جدید را یاد می‌گیرد. در واقع توانایی تغییر مداوم را ایجاد می‌کند. تاکید بر تغییر درونی و بیرونی از آنجاست که سازمان‌های بزرگ صنعتی با زمان دست و پنجه نرم می‌کنند. تغییر راهبردها، ساختارها و سیستم‌ها کافی نیست، بلکه باید تفکری که این راهبردها و ساختارها ایجاد می‌کند، را تغییر داد (Sange, 2006).

سند تحول بنیادین آموزش و پرورش: تحقق ارزش‌ها و آرمان‌های متعالی انقلاب اسلامی مستلزم تلاش همه جانبه در تمام ابعاد فرهنگی، علمی، اجتماعی و اقتصادی است. عرصه تعلیم و تربیت از مهم‌ترین زیرساختهای تعالی همه جانبه کشور و ابزار جدی برای ارتقای سرمایه انسانی شایسته کشور در عرصه‌های

1 . fundamental evolution

مختلف است. تحقق آرمان‌های متعالی انقلاب اسلامی ایران مانند احیای تمدن عظیم اسلامی، حضور سازنده، فعال و پیشرو در میان ملت‌ها و کسب آمادگی برای برقراری عدالت و معنویت در جهان در گرو تربیت انسان‌های عالم، متقی و آزاده و اخلاقی است. تعلیم و تربیتی که تحقق بخش حیات طیبه، جامعه عدل جهانی و تمدن اسلامی- ایرانی باشد. در پرتو چنین سرمایه انسانی متعالی است که جامعه بشری آمادگی تحقق حکومت جهانی انسان کامل را یافته و در سایه چنین حکومتی ظرفیت و استعدادهای بشر به شکوفایی و کمال خواهد رسید. تحقق این هدف نیازمند ترسیم نقشه راهی است که در آن نحوه طی مسیر، منابع و امکانات لازم، تقسیم کار در سطح ملی و الزامات آن به صورت شفاف و دقیق مشخص شده باشد. در تهیه سند ملی تحول بنیادین آموزش و پرورش، کوشش شد تا با الهام از اسناد بالادستی و بهره گیری از ارزش‌های بنیادین آن و توجه به هدف‌های راهبردی نظام جمهوری اسلامی ایران، چشم انداز و هدف‌های تعلیم و تربیت در افق ۱۴۰۴ هجری شمسی تبیین شود. تحول بنیادین نظام آموزش و پرورش بر مبنای آرمان‌های بلند نظام اسلامی باید معطوف به چشم اندازی باشد که در افق روشن ۱۴۰۴ نمایانگر ایرانی توسعه یافته با جایگاه اول اقتصادی، علمی و فناوری در سطح منطقه با هویتی اسلامی انقلابی، الهام بخش جهان اسلام همراه با تعاملی سازنده و مؤثر در عرصه روابط بین‌المللی است. اگرچه در سه دهه گذشته تلاش‌های فراوان و قابل تقدیری از طرف مسئولان و دست اندرکاران نظام تعلیم و تربیت برای بهبود و اصلاح نظام آموزشی کشور به عمل آمد که خوشبختانه نتایج مثبت و مفیدی نیز بر جای گذاشته است، اما آموزش و پرورش هنوز با چالش‌های جدی روبروست و برونداد آن در طراز جمهوری اسلامی ایران و پاسخگوی تحولات محیطی و نیازهای جامعه نیست. از این رو، تأکیدهای حکیمانه رهبر فرزانه انقلاب اسلامی مبنی بر ضرورت تحول بنیادی در آموزش و پرورش با تکیه بر فلسفه تعلیم و تربیت اسلامی – ایرانی و تدوین الگوی اسلامی– ایرانی برای تحول و پرهیز از الگوهای وارداتی، کهنه و تقلیدی محض، چراغ راه برون رفت از چالش‌های نظام آموزشی کشور است.

خوشبختانه با درک ضرورت و اهمیت این امر و در پاسخ به ندای هوشمندانه رهبری معظم انقلاب اسلامی (مد ظله العالی)، طرح تدوین سند تحول بنیادین آموزش و پرورش در افق چشم انداز بیست ساله جمهوری اسلامی ایران پس از تدوین و تصویب در شورای عالی آموزش و پرورش در دستور کار شورای عالی انقلاب فرهنگی قرار گرفت و سرانجام پس از شکل گیری حلقه‌های کارشناسی– پژوهشی با مشارکت صاحب نظران حوزوی و دانشگاهی و مدیران و کارشناسان مجرب آموزش و پرورش و سایر دستگاه‌های ذی‌ربط، ضمن پایبندی به دیدگاه‌های حضرت امام خمینی (ره) و نظرات مقام معظم رهبری درباره تحول

بنیادین نظام آموزشی و همسو با اسناد فرا دستی، از جمله سند چشم انداز بیست ساله کشور، سند مذکور تدوین و به تصویب این شورا رسید (Fundamental Evolution Document, Education, 2011, PP. 7-9).

سند تحول بنیادین آموزش و پرورش در حقیقت برنامه راهبردی آموزش و پرورش می‌باشد. یکی از گسترده‌ترین طرح‌های نرم افزاری است که با تاکید بر جنبه‌های کیفی، رابطه عناصر نظام در درون و با محیط پیرامون و مباحث ساختاری تدوین شده است. قلمرو سند عرصه‌های توسعه اعم از اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی را در آموزش و پرورش در بر می‌گیرد و برای آن‌ها تعیین تکلیف می‌کند. این سند پایه، ملاک و راهنمای تصمیم گیری‌های اساسی برای هدایت، راهبری، نظارت و ارزشیابی نظام تعلیم و تربیت رسمی عمومی به منظور تحقق تحولات محتوایی و ساختاری است (Ranaei, 2014).

ویژگی فصل‌های سند تحول بنیادین آموزش و پرورش

از مهم‌ترین ویژگی‌های سند تحول بنیادین آموزش و پرورش می‌توان به شرح زیر اشاره نمود:

۱) برخورداری از مبانی نظری مستدل و محکم در تعریف مفاهیم، حدود و دامنه فعالیت‌ها و تدوین گزاره‌های ارزشی نظام تعلیم و تربیت رسمی عمومی؛

۲) روشن ساختن هدف‌های کلان نظام تعلیم و تربیت رسمی کشور؛

۳) بیانیه مأموریت مشخص و بیانگر طیف وسیع فعالیت‌ها؛

۴) ارائه چشم اندازی روشن و منطبق با چشم انداز بیست ساله کشور در افق ۱۴۰۴؛

۵) تعیین راهبردهای کلان در ۱۵ بند به مثابه روش‌های دست‌یابی به هدف‌های کلی؛

۶) تبیین هدف‌های عملیاتی و راهکارها در فصل هفتم که به طور روشن نقطه تمرکز آموزش و پرورش را در اجرا مشخص نموده است؛

۷) تبیین چهارچوب نهادی و نظام اجرایی تحول بنیادین آموزش و پرورش در فصل هشتم؛

۸) پیش بینی سازوکار ترمیم در بخش سوم از فصل هشتم که به طور ضمنی به احتمال تغییرپذیری سند را در یک دوره ۵ ساله اشاره دارد.

برای تحقق هدف‌ها و برنامه‌های سند ملی آموزش و پرورش در افق چشم انداز، سیاست گذاری، برنامه ریزی و نظارت بر فرایند تحول بنیادین در دو سطح صورت می‌پذیرد: بخش اول ناظر به سیاست گذاری و تصمیم گیری کلان و نیز ارزیابی و نظارت راهبردی فرایند تحول بنیادین نظام تعلیم و تربیت

رسمی عمومی می‌باشد که این امر بر عهده شورای عالی انقلاب فرهنگی است. بخش دوم بر برنامه ریزی و نظام اجرایی تمرکز دارد (Education Fundamental Evolution Document, 2011, PP. 1-63).

نظارت و راهنمایی تعلیماتی

نظارت و راهنمایی تعلیماتی در فرهنگ تعلیم و تربیت معادل کلمه "supervision" است که از واژه‌های لاتین «uppe» به معنای بالای سر و در بالا قرار گرفتن و"videre" به معنای مواظب بودن، بر کسی نظارت کردن، مراقبت کردن، دیدن و مشاهده کردن است. اگرچه این دو جزء لازم و ملزوم یکدیگرند و هر کدام بدون دیگری معنا و مفهومی ندارد، اما هر یک دارای معانی و کاربرد خاصی می‌باشند. نظارت به مشاهده و ارزیابی دقیق و مداوم یک عملکرد و نیز مشاهده، ثبت، کشف عملیات و اقدامات همراه با دیدگاه منتقدانه اشاره دارد. در واقع، نظارت یعنی آگاهی از آنچه در محیط آموزشگاه رخ می‌دهد. واژه راهنمایی نیز به مفهوم کمک به فرد برای درک بهتر و استفاده آگاهانه از فرصت‌هایی که در اختیار دارد یا می‌تواند داشته باشد، اشاره دارد. راهنمایی دارای کاربردهای مختلفی مانند راهنمایی حرفه‌ای، خانوادگی، بهداشتی، تعلیماتی می‌باشد. بدین ترتیب، در واژه نظارت، آگاهی و در واژه راهنمایی تعلیماتی، معنای اقدام نهفته است (Khorshidi, 2003).

مارکس و استوپس[1] (۱۹۷۱) هر فعالیتی که با هدف اصلاح آموزش در کلاس درس صورت گیرد، را در حوزه نظارت و راهنمایی تعلیماتی تلقی می‌کنند. برتون و برواکنر[2] (۱۹۵۵) نظارت و راهنمایی آموزشی را خدمتی فنی ـ تخصصی می‌دانند که هدف آن مطالعه و اصلاح همه عواملی است که بر رشد و پرورش کودک اثر می‌گذارد و معتقدند این کار وقتی به طور موثر انجام می‌گیرد که مبتنی بر همکاری گروهی باشد (Niknami, 2010). همچنین، وایلز[3] (۱۹۶۷) نظارت و راهنمایی آموزشی را فرایند اصلاح برنامه درسی، اصلاح روش‌های تدریس و آموزش ضمن خدمت، مواد کمک آموزشی در تدریس، ارزشیابی موثر، افزایش مشارکت جامعه در رشد و توسعه برنامه‌های مدرسه، و اصلاح شرایط یادگیری تعریف می‌کند. علاوه براین، گود[4] (۱۹۷۳) کلیه تلاش‌های مسئولان مدرسه را معطوف به هدایت معلمان و کارکنان آموزشی است و سرانجام منجر به اصلاح وضع آموزش، انتخاب هدف‌های آموزشی مناسب و کاربست روش‌های فعال تدریس و ارزشیابی موثر می‌شود را نظارت و راهنمایی تعلیماتی قلمداد می‌کنند (Khorshidi, 2003).

---

1 . Marx and Stoops
2 . Brueckner
3 . Wiles
4 . Good

به طور کلی، از مهم‌ترین هدف‌های نظارت و راهنمایی تعلیماتی می‌توان به نکات زیر اشاره نمود:

۱) کمک به افراد (معلم، کارکنان، دانش آموزان و ...) به منظور خودشناسی و احیاء استعدادهای خویش؛
۲) سازگار نمودن افراد با محیط‌های آموزشی و تدریس؛
۳) ایجاد تغییرات مطلوب در رفتار یادگیرنده؛
۴) ارائه اطلاعات متناسب با فرصت‌ها و موقعیت‌هایی که باعث پیشروی افراد شود؛
۵) جلوگیری از به هدر رفتن منابع مادی و معنوی؛
۶) تقویت خود راهبری در بین معلمان، کارکنان و دانش آموزان؛
۷) تقویت توان تصمیم گیری معلمان، کارکنان و دانش آموزان؛
۸) تعیین قلمرو مدیریت کیفیت جامع (مدیریت فرایند بهبود مستمر که در آن تلاش می‌شود انتظار ذی‌نفعان به طور شایسته برآورده شود)؛
۹) تعیین نقش و وظایف هر یک از معلمان، کارکنان و دانش آموزان در مدرسه؛
۱۰) تعیین مدارهای توسعه‌نیافتگی در آموزشگاه و اصلاح آن؛
۱۱) تدوین شناسنامه عملکرد مدرسه جهت ارتقاء کیفیت یاددهی یادگیری (Khorshidi, 2003).

علاوه براین، نیکنامی به شش اصل مهم نظارت و راهنمایی اشاره می‌کند که عبارتند از: اصل سازمانی، مسئولیت و اختیار، پویایی‌های گروهی، رشد و پیشرفت حرفه‌ای، ارزشمند بودن فرد و گروه، علمی بودن و تغییر. به موجب اصل سازمانی، نظارت و راهنمایی آموزشی رفتاری سازمانی است و باید مسئولیتی مدیریتی در مدرسه تلقی شود. امروزه، نظارت و راهنمایی آموزشی در تشکیلات آموزش و پرورش اغلب کشورها وجود دارد و مسئولیت آن بر عهده مدیر مدرسه یا راهنمای آموزشی است. به موجب اصل مسئولیت و اختیار، نظارت و راهنمایی آموزشی یک وظیفه ستادی است؛ یعنی راهنمایان نمی‌توانند با ایجاد ارتباطات رسمی از طریق سلسله مراتب سازمانی و با توسل به دستورالعمل‌ها و آیین نامه‌ها مسائل و مشکلات آموزشی را حل و فصل کنند. بلکه باید به تخصص، مهارت‌ها و توانایی‌های حرفه‌ای خود متکی با شند تا معلمان نیز در پذیرش رهنمودهای آنان تمایل و ا شتیاق بی‌شتری دا شته با شند. همچنین، بر اساس اصل پویایی‌های گروهی، نظارت و راهنمای آموزشی وظیفه‌ای مشارکت جویانه یا همراه با همکاری حرفه‌ای گروهی ا ست. بدون همکاری حرفه‌ای راهنمای آموز شی، معلم، مدیر مدر سه و دیگر شرکت کنندگان در این وظیفه، موفقیت برنامه‌های نظارت و راهنمایی آموز شی دور از انتظار به نظر

می‌رسد. به موجب اصل رشد و پیشرفت حرفه‌ای نیز یکی از هدف‌های برنامه‌های نظارت و راهنمایی آموزشی ایجاد فرصت‌های مناسب برای رشد و پیشرفت حرفه‌ای معلمان است.

ترویج روحیه اتکا به نفس و استقلال کاری معلمان از گام‌های اولیه و اساسی برای تحقق این هدف است. کسب دانش و تجربه‌های جدید قدرت ابتکار و توانایی‌های تازه‌ای به معلمان می‌بخشد، نه تنها برای ارتقای کارایی معلمان ضروری و مهم است، بلکه در تغییر شخصیت معلمان و ایجاد روحیه و انگیزه در آنان برای ترفیع و ارتقای علمی و شغلی معیار ارزشمندی است.

بر مبنای اصل ارزشمند بودن فرد وگروه، می‌بایست هنگام واگذاری تکالیف و مسئولیت‌ها و اعمال روش‌های نظارت برای هر معلم به تفاوت‌های فردی آنان توجه شود؛ زیرا پیامد آن ایجاد خودپنداری مثبت در معلمان از خود و کارشان است که موجب برانگیختن، فعال شدن و هدایت رفتار آنان در جهت هدف‌های مدرسه می‌شود.

ا صل علمی بودن نظارت و راهنمایی تعلیماتی به نکته ا شاره دارد که امروزه یافته‌های علوم رفتاری و سازمانی در زمینه‌های مختلف تعلیم و تربیت مانند تدریس، یادگیری، ارتباطات، سازماندهی و مدیریت کاربرد دارد. لذا، می‌بایست در برنامه‌های نظارت و راهنمایی آموزشی و کار با معلمان از اندیشه‌های علمی جدید، یافته‌ها، پدیده‌ها و فناوری جدید استفاده شود تا بتوان پاسخگوی نیازهای آتی آموزش و پرورش جوانان بود.

علاوه براین، به موجب ا صل تغییر، تمام سازمان‌ها و افراد در فرایند گذر زمان نیاز به تغییر دارند تا بتوانند پا سخگوی تحولات اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی با شند که می‌تواند از درون سازمانی (راهنمایان آموزشی و مدیر) و برون سازمان و ملی (وزارت آموزش و پرورش) صورت گیرد. ممکن مقاومت در برابر تغییر رخ بدهد که مسئول رفع آن مدیر مدرسه و راهنمای آموزشی هستند (Niknami, 2010).

نظارت و راهنمایی تعلیماتی به شیوه‌های مختلفی صورت می‌گیرد که از مهم‌ترین آنها می‌توان به نظارت مبتنی بر مشورت، نظارت به مثابه هشدار، نظارت همتا، نظارت به مثابه نمایش تدریس، نظارت به مثابه تدریس، نظارت کنشگر (واکنشی)، نظارت پویا (پیش واکنشی)، نظارت و راهنمایی مستقیم، نظارت و راهنمایی غیرمستقیم، نظارت سینرژیک، نظارت به مثابه حل مسئله، نظارت درونی- بیرونی، نظارت سنتی، نظارت سیستمی و نظارت بالینی (معلم محور) اشاره نمود (Khorshidi, 2003).

پیشینه پژوهش

نجفی و احمدی در پژوهشی با عنوان «اهمیت، نقش و کارکرد خانواده از دیدگاه اسلام و بررسی جایگاه آن در سند تحول بنیادین آموزش و پرورش» به این نتیجه دست یافتند که آن گونه که شایسته و بایسته است به خانواده به مثابه یک نهاد بنیادین و مرکز تربیت نسل و انتقال ارزش‌های اخلاقی، تربیتی در بخش‌های نظری سند و اصل سند تحول بنیادین توجهی کافی نشده و راهکارهای اجرایی برای ایفای نقش و مشارکت در امور تحصیلی و تربیتی فرزندانشان ارائه نشده است (Najafi and Ahmadi, 2012).

همتی فر و آهنچیان در مطالعه دیگری با عنوان «ارائه الگوی ارزیابی سازواری نظریه ترکیبی در فلسفه تعلیم و تربیت: بررسی موردی سازواری در فلسفه تربیت جمهوری اسلامی ایران در سند ملی تحول بنیادین آموزش و پرورش» به این نتایج دست یافتند که در معدود الگوهای ارائه شده (به ویژه در حوزه تعلیم و تربیت) برای ترکیب نظریه‌ها، اغلب مبانی فلسفی و بالاتر از آن مبانی فرا فلسفی نظریه‌های مبدأ نادیده گرفته شده است. همچنین در این الگوها، به موضع ترکیب کنندگان در قبال رویکرد های روش شناختی «پارادایمیک» و «پراگماتیک» اشاره نشده است. علاوه براین، براساس الگوی پیشنهادی سازواری، در بخش «فلسفه تربیت جمهوری اسلامی ایران» سند، درجه‌هایی از ناسازواری وجود دارد (Hematifar and Ahanchian, 2013).

نتایج مطالعه عیسی پور با عنوان «بررسی و نقد تربیت دینی در سند تحول بنیادین آموزش و پرورش» حاکی از آن است که سند از منظر تربیت دینی دارای نقاط قوت و ضعف است. تهیه سند بر اساس آرمان ها و ایدئولوژی حاکم بر جامعه، توجه به همه ساحت ها و ابعاد تربیت دینی ، تاثیر عوامل اجتماعی در تربیت دینی از نقاط قوت سند است و عدم انطباق مفاهیم دینی در قرآن و سند تحول، استفاده از اهداف حصولی به‌جای اهداف عملیاتی، نبود کلمه تقوا در سند، محدودیت در بررسی شاخص‌های عملکردی-تحلیل وضع موجود، مشکل تعمیم نتایج تربیتی پژوهشگران سند، مشکلات برنامه ریزی و آموزش تربیت دینی و اخلاقی در سند تحول، ضعف ارزشیابی‌تربیت دینی، رویکرد دین دهی به جای رویکرد دین‌یابی، تناقض در محورهای تربیتی، عدم تامین نیروی انسانی متخصص و متعهد در زمینه امور تربیتی، عدم آموزش دینی به خانواده ها و سایر کارکنان مدرسه در زمینه رفتار دینی، عدم برنامه ریزی دینی برای دانش آموزان در سن قبل از دبستان، مشکل برگزاری نماز جماعت در بیشتر مدارس از نقاط ضعف آن می‌باشد (Eisapoor, 2012).

نوید اهم نیز در پژوهشی با عنوان «الزامات مدیریتی تحول بنیادین در آموزش و پرورش» به این نتیجه رسید که با بررسی الزامات مدیریتی تحول بنیادین به دوازده مورد از عوامل مهم و اثر گذار در مراحل مختلف آغاز، تثبیت و بازنگری مدیریت تحول می‌توان اشاره کرد که التزام به آن‌ها ادامه تحقق سند تحول بنیادین آموزش و پرورش را به همراه دارد. فهم دقیق و عمیق مفاهیم تحول آفرینی به ویژه مبانی نظری و مفاهیم فلسفی تحول بنیادین به همراه تلاش برای گسترش و نهادینه سازی فرهنگ تحول خواهی و تحول آفرینی در درون نام آموزش و پرورش و همسو نمودن عوامل محیطی و نیز برنامه ریزی و طراحی مدل اجرایی کارآمد و ایجاد ساز و کار های نظارتی هوشمند از جمله این الزامات می‌باشد (Navid Adham, 2012).

برزگر و ایزدی در نتایج مطالعه‌ای با عنوان «تعامل اولیا و مربیان در ترویج فرهنگ با توجه به سند تحول بنیادین» به نقش آفرینی تربیتی خود در مرحله پیش از ورود فرزندان به نظام تربیت رسمی عمومی اشاره نمودند. با این توضیح که اولیا باید با کسب شایستگی‌های لازم در امر تربیت فرزندان خود مشارکت فعال داشته باشند و دانش و مهارت لازم نسبت به هدف‌ها، برنامه‌ها و اصول و روش‌های حاکم در مدرسه، توانایی تعامل اثربخش و تعالی جویانه، با نظام تربیت رسمی و عمومی را کسب نماید (Bazrgar and Eizadi, 2012). حیدری و حسین نژاد نیز در بررسی جایگاه عدالت آموزشی در سند تحول بنیادین نظام آموزش و پرورش ایران به این نتیجه رسیدند که به نظر می‌رسد تحقق عدالت آموزشی دارای چالش‌هایی است. این چالش‌ها از یک سو به ماهیت رویکرد آرمان گرایی و از سوی دیگر، به نگاه محدود ایدئولوژیک به عدالت بر می‌گردد. به نظر می‌رسد تحقق عدالت آموزشی نیازمند رویکرد معنوی و تکثر گرا به انسان و جامعه است. درون مایه‌های چنین رویکردی را در درون سنت فکری و عرفانی اسلامی می‌توان باز یافت (Heydari and Hossein Nejad, 2014). همچنین، پیروانی نیا و پیروانی نیا در تحلیل سند تحول بنیادین آموزش و پرورش از نظر میزان اهمیت به یادگیری سازمانی به این نتیجه رسیدند که بیشترین توجه به مؤلفه‌های تصمیم گیری و تعامل با محیط بیرونی شده و به مؤلفه‌های گفت و گو و تجربه اندوزی و آزمایش به ترتیب توجه کمتری شده است (Peyrovani Nia and Peyrovani Nia, 2013).

مطالعه گودرزی نیز نشان داد که در سند چشم انداز آموزش و پرورش توجه ویژه و خاصی به تربیت بدنی شده و از آن به عنوان ابزاری مهم برای تعلیم و تربیت یاد شده است. در پی اجرای برنامه راهبردی نظام تعلیم و تربیت کشور، برنامه‌های بسیار ارزنده و نوآورانه در این حیطه مانند طرح سیاح و طناورز، ساخت فضاهای ورزشی، افزایش معلمان ورزش و ... اجرا شد که در جای خود به نقد و کنکاش عالمانه نیاز دارد.

چنانکه برخی از برنامه‌های اجرا شده سیری شتابان به سمت مادی گرایی و سقوط در ورطه سکولاریستی دارند. ادامه این روند در مهم‌ترین بخش نظام تعلیم و تربیت کشور بسیار خطرناک و آسیب زا است (Goodarzi, 2013). فولادی و دادار نیز در پژوهشی به این نتایج دست یافتند که جایگاه مشاوره به شکل مستقیم و غیر مستقیم در سند دیده شده است. در دوازده راهکار به مشاهده اشاره شده و از میان آن‌ها پنج راهکار به طور مشخص به ارائه خدمات مشاوره در همه پایه‌های تحصیلی، طراحی و استقرار نظام جامع هدایت تحصیلی و استقرار نظام راهنمایی و مشاوره تربیتی پرداخته است. این یافته‌ها حاکی از آن است که در سند تحول، جایگاه نظام راهنمایی و مشاوره کشور در سطح آموزش و پرورش به خوبی دیده شده است (Fouladi and Dadar, 2013).

محمدیان نیز در نقد سند تحول بنیادین نظام تعلیم و تربیت رسمی و عمومی جمهوری اسلامی ایران خاطرنشان می‌سازد که سند تحول بنیادین فاقد تحول بوده و همان نظام آموزشی و پرورشی عمومی قبلی کشور با تغییر الفاظ است که به آن رنگ و لعاب اسلامی بسیار بیشتری از قبل داده شده یا تغییراتی جزئی و بی فایده و رکود و درجا زدن است یا تغییراتی تکراری است که در دهه‌ها و سنوات قبلی در نظام آموزشی ایران تکرار و تجربه نامطلوب شده است. به طور کلی، برخی از ایرادات سند تحول بنیادین از دیدگاه نویسنده کتاب عبارتند از: عدم وجود تحول بنیادین، عدم نقل قول صحیح از علامه طباطبایی درباره مفهوم حیات طیبه، عدم ارائه مبنای نظری اسلامی برای ساحت‌های شش‌گانه تربیت، عدم اعلام دلیل نیاز به تربیت رسمی و عمومی به مدت دوازده سال، عدم تعیین ساختار تحصیلی تربیت رسمی و عمومی بر مبنای اسلام، عدم جهت گیری دوازده سال تحصیل برای شکوفایی استعدادها، وجود اشتباه عبارتی بزرگ در سند تحول بنیادین، در اولویت نبودن ازدواج و کار در نظام تربیتی، عدم تناسب آموزش‌ها با نیازهای بازار کار در اکثر رشته‌های تحصیلی، مد نظر بودن حوزه‌های یادگیری گسترده و حجیم برای همه دانش آموزان، تباه کردن عمر دانش آموزان به کسب مدرک تحصیلی و حفظ علوم و بعد فراموش کردن، تبدیل شدن هدر دادن عمر به یک فرهنگ در زندگی عموم ایرانیان، تربیت عموماً همه کاره هیچ کاره، ناممکن بودن تحقق ویژگی‌های مطلوب در تمامی دانش آموزان (Mohammadian, 2014).

روش

در این پژوهش به منظور بررسی سند تحول بنیادین از بعد نظارت و راهنمایی از روش تحلیل محتوا بهره گرفته شد. به زعم آری و همکاران (۱۹۹۶) تحلیل محتوا نوعی روش پژوهش است که برای آشکارسازی یا تعیین ویژگی‌های مواد مکتوب یا دیداری به کار می‌رود. مواد مورد تحلیل می‌تواند شامل

کتاب‌های درسی، روزنامه‌ها، سخنرانی‌ها، برنامه‌های تلویزیونی و هر نوع اسناد و مدارک دیگر باشد (Maruofy and Yusefzadeh, 2009). تحلیل محتوا طی سه مرحله قبل از تحلیل (آماده سازی و سازماندهی)، بررسی مواد (پیام) و پردازش نتایج انجام می‌شود (Sarmad, Bazargan and Hejazi, 2008). بر این اساس، به منظور تحلیل محتوای سند، مؤلفه‌های موردنظر بر اساس ادبیات نظارت و راهنمایی شناسایی شدند. مهم‌ترین این مولفه‌ها بر اساس چهارچوب نظری ارائه شده، در جدول (۱) به طور خلاصه نشان داده شده است.

جدول ۱: مؤلفه‌ها و زیر مؤلفه‌های نظارت و راهنمایی تعلیماتی

مؤلفه‌ها	زیر مؤلفه‌ها
هدف‌های نظارت و راهنمایی	کمک به افراد (معلم، کارکنان، دانش آموزان و ...) سازگار نمودن افراد با محیط‌های آموزشی و تدریس ایجاد تغییرات مطلوب در رفتار یادگیرنده ارائه اطلاعات متناسب با فرصت‌ها و موقعیت‌هایی که باعث پیشروی افراد شود جلوگیری از به هدر رفتن منابع مادی و معنوی تقویت خود راهبری در بین معلمان، کارکنان و دانش آموزان تقویت توان تصمیم گیری معلمان، کارکنان و دانش آموزان تعیین قلمرو مدیریت کیفیت جامع (مدیریت فرایند بهبود مستمر که در آن تلاش می‌شود انتظار ذی‌نفعان به طور شایسته برآورده شود) تعیین نقش و وظایف هر یک از معلمان، کارکنان و دانش آموزان در مدرسه تعیین مدارهای توسعه‌نیافتگی در آموزشگاه و اصلاح آن تدوین شناسنامه عملکرد مدرسه جهت ارتقاء کیفیت یاددهی یادگیری
رویکردهای نظارت و راهنمایی	– نظارت و راهنمایی به مثابه بازرس – نظارت و راهنمایی علمی – نظارت و راهنمایی به مثابه همیاری و مشاوره – نظارت و راهنمایی کلینیکی – نظارت و راهنمایی به مثابه مدیریت – نظارت و راهنمایی به مثابه مدیریت آموزشی – نظارت و راهنمایی به مثابه رهبری آموزشی
اصول نظارت و راهنمایی	– اصل سازمانی – اصل مسئولیت و اختیار

مؤلفه‌ها	زیر مؤلفه‌ها
	- اصل پویایی‌های گروهی - اصل رشد و پیشرفت حرفه‌ای - اصل ارزشمند بودن فرد و گروه - اصل علمی بودن - اصل تغییر
روش‌های نظارت و راهنمایی	- نظارت مبتنی بر مشورت - نظارت به مثابه حمایت از برنامه تحصیلی - نظارت به مثابه هشدار - نظارت همتا - نظارت به مثابه نمایش تدریس - نظارت به مثابه تدریس مشترک - نظارت کنشگر (واکنشی) - نظارت پویا (پیش واکنشی) - نظارت و راهنمایی مستقیم - نظارت و راهنمایی غیر مستقیم - نظارت سینرژیک - نظارت به مثابه حل مسئله - نظارت درونی- بیرونی - نظارت سنتی - نظارت سیستمی - نظارت بالینی (معلم محور)
نقش‌های ناظران و راهنمایان	- هماهنگ کننده - مشاور - رهبر گروه - ارزشیاب
۱) وظایف ناظران و راهنمایان	- اداری - برنامه درسی - برنامه آموزشی
مسئولان نظارت و راهنمایی	- راهنمایان تعلیماتی - مدیران

مؤلفه‌ها	زیر مؤلفه‌ها
	– معلمان – دانش آموزان – ناظران محلی
عوامل اصلی نظارت و راهنمایی	– معلم – دانش آموزان – جو مدرسه – محتوای آموزشی – عوامل محیطی – فرهنگ حاکم بر مدرسه – وسایل کمک آموزشی

یافته‌ها

در این بخش نتایج حاصل از تحلیل سند بر اساس مؤلفه‌های مستخرج از چهارچوب نظری نظارت و راهنمایی ارائه می‌شود.

۱) هدف نظارت و راهنمایی تعلیماتی

گزاره سند: نقش معلم (مربی) به عنوان هدایت کننده و اسوه‌ای امین و بصیر در بهبود فرایند تعلیم و تربیت و مؤثرترین عنصر در تحقق مأموریت‌های نظام تعلیم و تربیت رسمی عمومی (بند هفتم بیانیه ارزش‌ها از فصل اول).

ارتباط گزاره با مؤلفه: در این مورد به یکی از مؤلفه‌های نظارت و راهنمایی که معلم می‌باشد اشاره شده و بر نقش معلم در بهبود فرایند تعلیم و تربیت که خود اصلی‌ترین هدف نظارت می‌باشد، تاکید شده است.

۲) رویکرد نظارت و راهنمایی تعلیماتی

گزاره سند: تقویت شأن حاکمیتی نظام تعلیم و تربیت رسمی عمومی در ابعاد سیاست‌گذاری، برنامه ریزی، پشتیبانی و نظارت و ارزیابی ضمن مشارکت پذیری و کاهش تصدی گری غیرضروری در بعد اجرا با رعایت اصل عدالت (بند بیست و هشتم بیانیه ارزش‌ها از فصل اول).

ارتباط گزاره با مؤلفه: این مورد به رویکرد مدیریتی و نظارت کلان نظام تعلیم و تربیت اشاره دارد و ارتباطی با رویکردهای نظارت و راهنمایی تعلیماتی به معنای بهبود فرآیند یاددهی- یادگیری ندارد.

۳) اصول و مبانی نظارت و راهنمایی تعلیماتی

گزاره سند: در سند تحول به اصول و مبانی نظارت و راهنمایی تعلیماتی (سازمانی، مسئولیت و اختیار، پویایی‌های گروهی، ارزشمند بودن فرد و گروه، علمی بودن و تغییر)، اشاره نشده اما در مواردی به اصل رشد و پیشرفت حرفه‌ای و اصل تغییر اشاره است.

ارتباط گزاره با مؤلفه: در سند به اصل رشد و پیشرفت حرفه‌ای در بخش‌های مختلف و از منظرهای متفاوت اشاره شده است. به طور نمونه، در فصل سه «مدرسه در افق چشم انداز ۱۴۰۴»، در فصل پنج «راهبرد کلان شماره ۱۳»، در فصل شش «راهکار ۲/۳ زیر هدف عملیاتی تعمیق تربیت و آداب اسلامی، تقویت اعتقاد و التزام به ارزش‌های انقلاب اسلامی، راهکار ۸/۶ زیر هدف عملیاتی افزایش مشارکت نظام تعلیم و تربیت رسمی عمومی و مدرسه و معلمان و دانش‌آموزان در رشد و تعالی کشور در عرصه‌های دینی، فرهنگی، اجتماعی در سطح محلی و ملی به عنوان نهاد مولد سرمایه انسانی، فرهنگی، اجتماعی و معنوی، راهکار ۱۰/۲ زیرهدف عملیاتی ارتقاء منزلت اجتماعی و جایگاه حرفه‌ای منابع انسانی با تأکید بر نقش الگویی و جایگاه معلم، راهکارهای۱۱/۱، ۱۱/۲، ۱۱/۴، ۱۱/۶ و ۱۱/۷ زیر هدف عملیاتی باز مهندسی سیاست‌ها و باز تنظیم اصول حاکم بر برنامه درسی تربیت معلم با تأکید بر کارورزی و انطباق سطح شایستگی‌های حرفه‌ای معلمان در سطح ملی و جهانی با مقتضیات الگوی برنامه درسی در نظام تعلیم و تربیت و طراحی سیاست‌های مناسب برای ارتقای شیوه‌های جذب، تربیت و نگهداشت معلمان در آموزش و پرورش شایستگی‌های حرفه‌ای معلمان در سطح ملی و جهانی با مقتضیات الگوی برنامه درسی در نظام تعلیم و تربیت و طراحی سیاست‌های مناسب برای ارتقای شیوه‌های جذب، تربیت و نگهداشت معلمان در آموزش و پرورش، راهکار ۱۸/۲ زیر هدف عملیاتی تغییر و نوآوری در نظام تعلیم و تربیت رسمی عمومی با رویکرد تعالی بخش، پویا و بالنده.

در مورد اصل تغییر نیز می‌توان به راهکار کلی ۲۲/۳ زیر هدف عملیاتی ارتقاء و بهبود مستمر کیفیت نظام کارشناسی، مدیریت راهبردی آموزشی و تربیتی در نظام تعلیم و تربیت رسمی عمومی اشاره نمود.

۴) روش‌های نظارت و راهنمایی تعلیماتی

گزاره سند: راهکار ۸/۷ تأکید بر معلم محوری در رابطه با معلم و دانش آموز در عرصه تعلیم و تربیت و جلوگیری از اجرای هر سیاست و برنامهٔ نظری و عملی که این محوریت را مخدوش نماید.

ارتباط گزاره با مؤلفه: این گزاره از سند به طور ضمنی به نظارت بالینی (معلم محور) اشاره دارد. در این نوع از نظارت معلم محوری جایگزین ناظر محوری می‌شود.

۵) نقش‌های نظارت و راهنمایی تعلیماتی

گزاره سند: گزاره‌ای در این مورد مشاهده نشد.

۶) وظایف نظارت و راهنمایی تعلیماتی

گزاره سند: گزاره‌ای در این مورد مشاهده نشد.

۷) مسئولان و ناظران راهنمایی تعلیماتی

گزاره سند: برای تحقق هدف‌ها و برنامه‌های سند ملی آموزش و پرورش در افق چشم انداز، سیاست‌گذاری، برنامه‌ریزی و نظارت بر فرایند تحول بنیادین در دو سطح کلان سیاست گذاری و برنامه ریزی انجام می‌شود. همچنین، ارزیابی و نظارت راهبردی فرایند تحول بنیادین نظام تعلیم و تربیت رسمی عمومی بر پایه این سند بر عهده شورای عالی انقلاب فرهنگی می‌باشد.

ارتباط گزاره با مؤلفه: در این گزاره به مفهوم نظارت مدیریتی و در سطح کلان اشاره شده اما به نظارت و تعلیماتی به معنای خاص آن یعنی بهبود فرآیند تدریس و یادگیری اشاره‌ای نشده است. هرچند، اگر ناظر و راهنمای تعلیماتی را محدود به پست سازمانی نکنیم،کلیه افراد درگیر در امر تعلیم و تربیت که در بهبود فرآیند تدریس و یادگیری نقش دارند، به‌طور غیر مستقیم در این مؤلفه قرار می‌گیرند.

۸) عوامل اصلی نظارت و راهنمایی تعلیماتی

گزاره سند: راهکار ۱/۱ زیر هدف عملیاتی (خصوصیات) پرورش یافتگان، طراحی، تدوین و اجرای برنامه درس ملی براساس اسناد تحول راهبردی و باز تولید برنامه‌های درسی موجود با تاکید بر ۱) متناسب‌سازی حجم و محتوی کتاب‌های درسی، ساعت‌ها و روزهای آموزشی با توانمندی‌ها و ویژگی‌های دانش‌آموزان؛ ۲) حاکمیت رویکرد فرهنگی- تربیتی در تولید محتوی و تقویت شایستگی‌های پایه

دانش‌آموزان؛ ۳) بهره‌مندی بیش‌تر از روش‌های فعال، خلاق و تعالی‌بخش؛ ۴) بهره‌گیری از تجهیزات و فناوری‌های نوین آموزشی و تربیتی در راستای هدف‌ها؛ و ۵) توجه بیشتر به تفاوت‌های فردی به ویژه هویت جنسیتی دانش‌آموزان و تفاوت‌های شهری و روستایی.

ارتباط مؤلفه با گزاره: در این گزاره از میان همه عوامل اصلی نظارت و راهنمایی تعلیماتی (معلم، دانش آموزان، جو مدرسه، محتوای آموزشی، عوامل محیطی، فرهنگ حاکم بر مدرسه، وسایل کمک آموزشی) به سه عامل اصلی محتوا، دانش آموز و وسایل کمک آموزشی توجه شده است.

به طور کلی، نتایج حاصل از تحلیل محتوای اسناد به طور خلاصه در جدول (۲) نشان داده شده است.

جدول ۲: تطبیق مؤلفه‌های نظارت و راهنمایی تعلیماتی با گزاره‌های سند

مؤلفه‌ها	گزاره سند	ارتباط گزاره با مؤلفه	شرح
هدف	نقش معلم (مربی) به عنوان هدایت کننده و اسوه‌ای امین و بصیر در بهبود فرایند تعلیم و تربیت و مؤثرترین عنصر در تحقق مأموریت‌های نظام تعلیم و تربیت رسمی، عمومی.	دارد	در این مورد به یکی از مؤلفه‌های نظارت و راهنمایی که معلم می‌باشد اشاره شده و بر نقش معلم در بهبود فرایند تعلیم و تربیت که خود اصلی‌ترین هدف نظارت می‌باشد، تاکید شده است.
رویکرد	تقویت شأن حاکمیتی نظام تعلیم و تربیت رسمی عمومی در ابعاد سیاست‌گذاری، برنامه ریزی، پشتیبانی و نظارت و ارزیابی ضمن مشارکت پذیری و کاهش تصدی گری غیرضروری در بعد اجرا با رعایت اصل عدالت.	ــــــ	این مورد به رویکرد مدیریتی و نظارت کلان نظام تعلیم و تربیت اشاره دارد و ارتباطی با رویکردهای نظارت و راهنمایی تعلیماتی ندارد.
اصول	ــــــ	ــــــ	ــــــ
روش	راهکار ۷-۸ با تأکید بر معلم محوری در رابطه با معلم و دانش آموز در عرصه تعلیم و تربیت و جلوگیری از اجرای هر سیاست و برنامه نظری و عملی که این محوریت را مخدوش نماید.	دارد	این گزاره از سند به نظارت بالینی (معلم محور) به طور ضمنی اشاره دارد. در این نوع از نظارت معلم محوری جایگزین ناظر محوری شده است.
نقش‌ها	ــــــ	ــــــ	ــــــ

وظایف	ـــــــ	ـــــــ	ـــــــ
مسئولان و ناظران	برای تحقق هدف‌ها و برنامه‌های سند ملی آموزش و پرورش در افق چشم انداز، سیاست گذاری، برنامه ریزی و نظارت بر فرایند تحول بنیادین در دو سطح کلان سیاست گذاری و برنامه ریزی انجام می‌شود. همچنین، ارزیابی و نظارت راهبردی فرایند تحول بنیادین نظام تعلیم و تربیت رسمی عمومی بر پایه این سند بر عهده شورای عالی انقلاب فرهنگی می‌باشد.	دارد	به مفهوم نظارت مدیریتی و در سطح کلان اشاره شده اما به نظارت و تعلیماتی به معنای خاص آن یعنی بهبود فرآیند تدریس و یادگیری اشاره‌ای نشده است. هرچند، اگر ناظر و راهنمای تعلیماتی را محدود به پست سازمانی نکنیم،کلیه افراد درگیر در امر تعلیم و تربیت که در بهبود فرآیند تدریس و یادگیری نقش دارند، به طور غیر مستقیم در این مؤلفه قرار می‌گیرند.
عوامل اصلی	راهکار ۱/۱	دارد	یکی از عوامل مهم دیگری که با نظارت و راهنمایی تعلیماتی سروکار دارد محتوا است. محتوا یکی از عوامل مهم در فرایند یاددهی و یادگیری است. براین اساس ناظران و راهنمایان تعلیماتی رسالت دارند در غنی سازی مطالب و محتوا مددیار معلمان باشند.

نتیجه

آموزش و پرورش به عنوان یک سازمان بزرگ، از یک منظر و در سه سطح قابل مطالعه است: در سطح کلان یا نهادی آموزش و پرورش ارتباط تنگاتنگی با جامعه (ارزش‌ها، هنجارها، باورها، اعتقادات، قوانین و مقررات، منابع مالی) دارد و چون فلسفه وجودی آموزش و پرورش، تأمین یکی از نیازهای اساسی جامعه یعنی تعلیم و تربیت می‌باشد، موجودیت خود را نیز از آن دریافت می‌کند. بنابراین، کلیه سیاست‌ها، خط‌مشی‌ها، قوانین و مقررات آموزش و پرورش در این سطح تعیین می‌شود. سند تحول بنیادین نیز مربوط به همین سطح است. سطح دیگر، سطح فنی یا همان مدرسه است. آن‌جاکه اصل تعلیم و تربیت اتفاق می‌افتد. نظارت و راهنمایی تعلیماتی نیز که با هدف بهبود فرآیند تدریس و یادگیری انجام می‌شود، در این سطح قرار می‌گیرد. سطح سوم، میانی یا اداری است که بین دو سطح مذکور قرار دارد.

با توجه به اینکه سند تحول بنیادین آموزش و پرورش در بالاترین سطح (نهادی) و نظارت و راهنمایی تعلیماتی در سطح فنی قرار می‌گیرند، نمی‌توان انتظار داشت که یک سند در سطح نهادی، بتواند تمامی امور مربوط به سطح فنی را در برگیرد، اما از آن‌جاکه به عنوان یک سند بالادستی مهم و به عنوان نقشه راه آموزش و پرورش تلقی می‌شود، باید بتواند به عنوان معیار و راهنمایی برای سایر سطوح سازمانی مورد استفاده و استناد قرار گیرد. چنانکه اشاره شد، کلیه سیاست‌ها، خط مشی‌ها، قوانین و مقررات آموزش و پرورش از جمله سند تحول بنیادین نیز در سطح کلان یا نهادی آموزش و پرورش تدوین می‌شود، انتظار می‌رود به یکی از فرآیندهای مهم آموزش و پرورش یعنی نظارت و راهنمایی تعلیماتی بپردازد.

از آنجا که نظارت و راهنمایی تعلیماتی نقش مهمی در فرآیند تعلیم و تربیت دارد و هدف از نظارت بهبود فرآیند تدریس و یادگیری در معنای وسیع است، اما در سند تحول به این موضوع مهم کمتر اشاره شده است و معلم تنها عامل اساسی و مهم در تربیت و تحقق یادگیری قلمداد می‌شود. چنانکه در بند هفتم بیانیه ارزش‌ها در فصل اول سند، با تعبیر گزاره‌های ارزشی نظام تعلیم و تربیت رسمی عمومی این‌گونه از آن یاد شده است: «نقش معلم (مربی) به عنوان هدایت کننده و اسوه‌ای امین و بصیر در بهبود فرایند تعلیم و تربیت و مؤثرترین عنصر در تحقق مأموریت‌های نظام تعلیم و تربیت رسمی عمومی.»

در سند تحول بنیادین آموزش و پرورش، همچنین به رویکردهای نظارت و راهنمایی تعلیماتی پرداخته نشده است و در مواردی به رویکرد مدیریتی و نظارت کلان نظام تعلیم و تربیت اشاره دارد که اساساً ارتباطی با رویکردهای نظارت و راهنمایی تعلیماتی به معنای بهبود فرآیند یاددهی- یادگیری ندارد. علاوه براین، شواهدی مبنی بر توجه به اصول و مبانی نظارت و راهنمایی تعلیماتی (در سطح فنی یا همان مدرسه) در سند تحول مشاهده نشد جز شایستگی‌های حرفه‌ای مربیان که البته در این باره سازوکارهای مشخصی درباره شرایط احراز یا تداوم این شایستگی حرفه‌ای ارائه نشده است. در مواردی نیز توجه به اصل تغییر محدود به سطح میانی یا اداری است.

تاکید بر معلم محوری به عنوان یکی از روش‌های نظارت و راهنمایی تعلیماتی از دیگر ویژگی‌های برجسته سند تحول می‌باشد. علاوه براین، در متن سند به نقش‌ها و وظایف نظارت و راهنمایی تعلیماتی و مسئولان و ناظران اشاره نشده است. هرچند، اگر ناظر و راهنمای تعلیماتی را محدود به پست سازمانی نکنیم، کلیه افراد درگیر در امر تعلیم و تربیت که در بهبود فرآیند تدریس و یادگیری نقش دارند، به‌طور غیرمستقیم به امر نظارت و راهنمایی می‌پردازند. همچنین از عوامل اصلی نظارت و راهنمایی تعلیماتی می‌توان به معلم، محتوا، دانش آموز و وسایل کمک آموزشی اشاره نمود. به طور خلاصه چنین به نظر می‌رسد که در برخی

از مؤلفه‌ها مانند هدف، روش، معلم به عنوان یک عنصر مهم، محتوا و دانش آموز در مبانی نظری و گزاره‌های سند اشاره‌های مستقیم یا غیرمستقیم شده است، اما مواردی مانند فرایند نظارت، ویژگی‌های لازم ناظران، جو و فرهنگ مدرسه و محیط آموزشی، اصول و مبانی نظارت و نقش‌ها و وظایف ناظران مورد توجه قرار نگرفته‌اند. علاوه بر این، ملاحظه شد که در سند تحول آموزش و پرورش اغلب از نظارت به معنی ارزیابی تعبیر می‌شود.

نیل به هدف‌های آموزش و پرورش مستلزم همکاری گسترده صاحب‌نظران مختلفی است که بدون وجود آنان تحقق هدف‌ها بعید به نظر می‌رسد. نظارت و راهنمایی تعلیماتی یکی از همین تخصص‌هاست که انتظار می‌رود در سند تحول بنیادین جایگاه ویژه‌ای داشته باشد. به استناد یافته‌های این پژوهش، نظارت و راهنمایی تعلیماتی یکی از مهم‌ترین ابعادی است که در سند تحول بنیادین آموزش و پرورش به بسیاری از جنبه‌های مهم آن توجه نشده است. لذا، ضرورت توجه به بهبود فرایند تدریس و یادگیری به عنوان مهم‌ترین هدف نظارت و راهنمایی تعلیماتی، سهیم کردن دیگر عوامل غیر از معلم در یادگیری دانش آموزان، تبیین رویکردهای نظارت و راهنمایی تعلیماتی، تصریح نقش‌ها و وظایف نظارت و راهنمایی تعلیماتی، تعریف فرایند نظارت، ویژگی‌های اصلی ناظران، جو و فرهنگ مدرسه و محیط آموزشی و اصول و مبانی نظارت در سند تحول بنیادین آموزش و پرورش از مهم‌ترین پیشنهادهای کاربردی این پژوهش به شمار می‌روند.

با توجه به اهمیت نظارت و راهنمایی تعلیماتی در آموزش و پرورش و کم‌رنگ شدن این مهم در عرصه آموزش و پرورش انتظار می‌رود پژوهشگران بعدی روی موضوع‌هایی چون تصریح جایگاه نظارت و راهنمایی تعلیماتی برای دست اندرکاران آموزش و پرورش، نقش نظارت و راهنمایی مستمر در عملکرد مدارس و پیشرفت تحصیلی دانش آموزان، تبیین حیطه و نوع عملکرد نظارت و راهنمایی تعلیماتی در نظام آموزش و پرورش نوین و تعیین شاخص‌های نظارت و راهنمایی تعلیماتی در آموزش و پرورش تمرکز نمایند.

References

Bazrgar, M., and Eizadi, A. (2013). Parent-teacher interaction in culture veil according to the fundamental transformation document. The Journal of Peyvand, December 2013, 411. 36-39. (In Persian).

Eisapoor, A. A. (2012). Document review religious education in the fundamental evolution of education. *International Congress of Culture and Religious Thought.* Qom. (In Persian).

Fooladi, E., and Dadar, N. (2013). Counseling in schools and fundamental evolution document. *The Journal of School counselor growth*, 32, 4-8. (In Persian).

Heydari, H., and Hossein Nejad, R. (2014). Educational Justice approaches (at the place of Educational Justice in the fundamental evolution document of the education system). *The Journal of Foundations of Education*, 4 (1), 49-72. (In Persian).

Hassani, M. (2006). A model for the diffusion of innovation in the education system in Iran. *Educational Innovations Quarterly*. 5(15), 151-176. (In Persian).

Hematifar, M., and Ahanchian, M. (2014). Evaluation model combined coherence theory in philosophy of education; case studies coherence "philosophy of education of the Islamic Republic of Iran" in the national fundamental evolution document of education. *The Journal of Foundations of Education*, 3 (2) (s 6), 25-48. (In Persian).

Khorshidi, A. (2003). *Supervision*. Theran: Yastoroon. (In Persian).

Mohammadian, A. (2015). *Review of the fundamental evolution document in the official and public education system of the Islamic Republic of Iran*. Tabriz: Milan. (In Persian).

Maroufy, Y., and Yusefzadeh, M. (2009). *Content analysis in human sciences.* Hamadan: Sepehr Danesh. (In Persian).

Najafi, E. and Ahmadi, H. (2012). The importance, role and function of the family from the perspective of Islam and its place in the education fundamental evolution document. *The Journal of Family and Research Studies*, 9 (1), 7-30. (In Persian).

Navid Adham, M. (2012). Manegerial Requirements of fundamental evolution in education. *The Journal of Culture strategy*, 17 and 18, 295-323. (In Persian).

Navid, M. (2001). *Proceedings of Pathology Physical Education*. Tehran: school Publications. (In Persian).

Niknami, M. (2010). *Educational supervision and guidance*. Tehran: Samt. (In Persian).

Peyrovani Nia, P. and Peyrovani Nia, P. (2013). Evaluating Contents of Document of Fundamental Reforms in Education, Focusing on Organizational Learning. *Journal of Academic E-learning (Media)*, (3)4, 40-48. Retrived from http://mediaj.sums.ac.ir/online. (In Persian).

Ranaei, M. (2014), Road map detailes of education fundamental evolution document accomplishment. Retrived from http://ayaronline.ir/1393/09/100697.html. (In Persian).

Sange, P. (2006) Dancing change. (H. Akbari and M. Soltani, Trans.). Tehran: Asia. (In Persian).

Sarmad, Z., Bazargan, A., and Hejazi, E. (2008). *Research Methods in the Behavioral Sciences*. Tehran: Agah. (In Persian).

The Education fundamental evolution document, (2011). Publishing Center of the Ministry of Education. (In Persian).

Torres, C. A. (1998). Democracy, Education, and Multiculturalism: Dilemmas of Citizenship in a Global World. 42 (40), pp 421-447.